**بسم‌الله الرحمن الرحیم**

**فهرست مطالب :**

[طرق ثبوت سرقت 1](#_Toc428135676)

[ادله حجیت اقرار 2](#_Toc428135677)

[تفاوت اقرار در این مقام 2](#_Toc428135678)

[جمع‌بندی 2](#_Toc428135679)

[اقوال در این مقام 2](#_Toc428135680)

[اقوال عامه در این باب 3](#_Toc428135681)

[مستندات بحث 3](#_Toc428135682)

[روایات طایفه اول 3](#_Toc428135683)

[روایت اول 3](#_Toc428135684)

[بررسی سندی روایت 3](#_Toc428135685)

[بررسی دلالی روایت 4](#_Toc428135686)

[روایت دوم 4](#_Toc428135687)

[بررسی دلالی روایت 5](#_Toc428135688)

[اتخاذ مبنا 5](#_Toc428135689)

[روایت سوم 5](#_Toc428135690)

# طرق ثبوت سرقت

راه‌هایی که برای ثبوت سرقت قرار داده‌شده است به‌مراتب سخت‌گیرانه‌تر از اثبات ضمان در سرقت است، لذا راه‌هایی که می‌خواهد بیان شود، منظور از آن‌ها راه‌های ثبوت قطع است و ممکن است با یکی از این راه‌ها ضمان ثابت گردد.

# ادله حجیت اقرار

یکی از طرق اثبات دعوا به‌طورکلی اقرار است. یکی از ادله حجیت اقرار سیره مسلم عقلاست که در این مقام وجود دارد و در شرع نیز نسبت به آن ردعی صورت نگرفته است، علاوه بر آن موارد متعددی در فقه وجود دارد که در آن از اقرار به‌عنوان یکی از طرق اثبات دعاوی استفاده‌شده است. آن‌قدر زیاد است که انسان مطمئن می‌شود که می‌شود الغای خصوصیت کرد و قاعده کلی به دست آورد.

# تفاوت اقرار در این مقام

البته مراد از اقرار، اقرار علی الانفس است، اقراری که به ضرر خود فرد باشد، در اینجا اختلاف جزیی وجود دارد که اقرار در باب سرقت از سایر اقرارها دارای تفاوتی است، طبق قاعده یک‌بار اقرار کفایت می‌کند اما در اینجا در مواردی گفته‌شده است که باید بیش از یک‌بار باشد. اما باید توجه داشت همان‌طور که اشاره شد بحث در اقرار مثبت حد است نه مثبت ضمان.

# جمع‌بندی

پس درواقع اقرار می‌تواند با یک‌بار مثبت ضمان باشد، اما طبق عقیده مشهور چه در خاصه و چه در عامه مثبتیتی در قبال حد ندارد بلکه اقرار باید تکرر پیدا بکند تا حد قطع ثابت شود. پس در مواردی این قاعده کلی تخصیص خورده است. یکی در باب زنا است که می‌گویند باید چهار بار اقرار کند. در باب سرقت هم این قاعده کلی که اقرار یک‌بار کافی است، تخصیص خورده به اینکه باید دو بار باشد و عند القاضی تکرار شود.

# اقوال در این مقام

در بین متأخرین آقای خویی و تبریزی معتقد به اعتبار یک‌بار در باب سرقت شده‌اند. در بین متأخرین هم مثل حضرت امام و آقای فاضل به همین ضرورت دو بار رأی دادند که قول اول باشد. مرحوم آقای خوانساری هم در جامع المدارک با یک ابهام و تردیدی با مسئله مواجه شده است. گرچه شاید بیشتر قول مشهور را ترجیح داده است.

# اقوال عامه در این باب

از عامه این‌گونه نقل‌شده است که در این مسئله ابن ابی لیلا، ابی یوسف، ظهیر و ابن شرمه طبق روایت امام علی (ع) به قول مشهور قائل هستند اما در نقطه مقابل عطاء، سوری، ابی حنیفه، شافعی و محمد بن حسن به اعتبار یک‌بار معتقد شده‌اند. اعتقاد گروه دوم بر این است که در اینجا نیز بر اساس همان قاعده کلی یک‌بار کفایت خواهد کرد.

## مستندات بحث

طبعاً به خاطر مخالفت حکم به دو بار باقاعده در اقرار همانند باب زنا نیز باید دلیلی خاص وجود داشته باشد، در اینجا ما دو طایفه روایات داریم که یک طایفه دلالت بر دو بار می‌کند و یک طایفه بر همان کفایت یک‌بار در اقرار دلالت می‌کند. این روایات در همین جلد هیجده، ابواب حد سرقت، باب سوم، صفحه چهارصد و هشتادوهفت ذکرشده است.

## روایات طایفه اول

## روایت اول

**«مُحَمَّدُ بْنُ یحْیی عَنْ أَحْمَدَ بْنِ مُحَمَّدٍ عَنْ عَلِی بْنِ حَدِیدٍ عَنْ جَمِیلِ بْنِ دَرَّاجٍ عَنْ بَعْضِ أَصْحَابِنَا عَنْ أَحَدِهِمَا ع فِی رَجُلٍ أَقَرَّ عَلَی نَفْسِهِ بِالزِّنَی أَرْبَعَ مَرَّاتٍ وَ هُوَ مُحْصَنٌ یرْجَمُ إِلَی أَنْ یمُوتَ أَوْ یکذِّبَ نَفْسَهُ قَبْلَ أَنْ یرْجَمَ فَیقُولَ لَمْ أَفْعَلْ فَإِنْ قَالَ ذَلِک تُرِک وَ لَمْ یرْجَمْ وَ قَالَ لَا یقْطَعُ السَّارِقُ حَتَّی یقِرَّ بِالسَّرِقَةِ مَرَّتَینِ فَإِنْ رَجَعَ ضَمِنَ السَّرِقَةَ وَ لَمْ یقْطَعْ إِذَا لَمْ یکنْ شُهُودٌ وَ قَالَ لَا یرْجَمُ الزَّانِی حَتَّی یقِرَّ أَرْبَعَ مَرَّاتٍ بِالزِّنَی إِذَا لَمْ یکنْ شُهُودٌ فَإِنْ رَجَعَ تُرِک وَ لَمْ یرْجَمْ.»[[1]](#footnote-1)**

طبق روایت برای قطع ید دو بار اقرار لازم است اما برای ضمان یک‌بار اقرار کفایت می‌کند.

## بررسی سندی روایت

روایت فوق روایتی مرسل است ولی ادامه سند صحیح هست. در قبال جمیل بن دراج اجماع وجود دارد و اگر کسی این اجماع را نپذیرد، ارسال او در اینجا مضر نخواهد بود. ما در میان اصحاب اجماع تنها سه‌نفری که در عده شیخ نامبرده شده‌اند را قبول داریم، در قبال آن سه نفر روایاتی که اسم برده و توثیق کرده باشند را می‌پذیریم اما مرسلات آن‌ها را قبول نداریم. لذا ارسال این روایت موجب ضعف می‌شود مگر اینکه کسی اصحاب اجماع را به آن کلیت قبول داشته باشد.

## بررسی دلالی روایت

دو احتمال در رجع است. یکی اینکه بعد از دو اقرار رجوع کرد. یکی اینکه بین این‌ها رجوع نموده است. شاید ظهور اولیه‌اش همین باشد که بعدازاینکه دو بار اقرار محقق شد رجوع کرده است. ولی بعضی بر رجوع بین الاقرارین حمل کردند که آن در جای خودش باید بحث بشود. آنچه در اینجا مدنظر است این بوده که این روایت مخصص قاعده کلی اقرار است.

## روایت دوم

دلیل دیگر روایت چهارم این باب است که سندش کاملاً معتبر است؛

**«وَ عَنْهُ عَنْ فَضَالَةَ عَنْ أَبَانِ بْنِ عُثْمَانَ عَنْ أَبِی عَبْدِ اللَّهِ ع أَنَّهُ قَالَ: کنْتُ عِنْدَ عِیسَی بْنِ مُوسَی- فَأُتِی بِسَارِقٍ وَ عِنْدَهُ رَجُلٌ مِنْ آلِ عُمَرَ فَأَقْبَلَ یسْأَلُنِی- فَقُلْتُ مَا تَقُولُ فِی السَّارِقِ- إِذَا أَقَرَّ عَلَی نَفْسِهِ أَنَّهُ سَرَقَ قَالَ یقْطَعُ- قُلْتُ (فَمَا تَقُولُ فِی الزِّنَا)- إِذَا أَقَرَّ عَلَی نَفْسِهِ أَرْبَعَ مَرَّاتٍ قَالَ نَرْجُمُهُ- قُلْتُ وَ مَا یمْنَعُکمْ مِنَ السَّارِقِ- إِذَا أَقَرَّ عَلَی نَفْسِهِ مَرَّتَینِ- أَنْ تَقْطَعُوهُ فَیکونَ بِمَنْزِلَةِ الزَّانِی.» [[2]](#footnote-2)**

امام می‌گوید نزد عیسی بن موسی بودم که احتمالاً حاکم مدینه یا قاضی آنجا بوده است که دزدی را آوردند از آل عمر و در آن مجلس عیسی بن موسی از من سؤالاتی پرسید، حضرت می‌فرماید به او گفتم نظر تو در قبال سارق چیست؟

او گفت رجم می‌کنیم. حضرت می‌گوید از او (که عامه بوده است) سؤال کردم اگر کسی یک‌بار به سرقت اقرار کند حکم تو چیست؟ می‌گوید دستش را قطع می‌کنم. آن‌وقت حضرت می‌فرماید اگر این‌طور است چه شمارا بازمی‌دارد که در سارق دو بار را ملاک قرار نمی‌دهید تا به‌منزله زانی باشد؟ دلالت و سند این روایت معتبر است و بسیاری از قائلین قول اول بدان تکیه کرده‌اند.

## بررسی دلالی روایت

در روایت دو احتمال وجود دارد یکی اینکه حضرت می‌خواهند به او بفرمایند حق این است که باید در این مقام دو بار اقرار صورت بگیرد، همان‌طور که آقای تبریزی این احتمال را مطرح کرده‌اند، منتها به آن‌ها می‌گوید، شما که اهل قیاسید چرا اینجا قیاس نمی‌کنید؟! یک احتمال نیز این است که حقیقتاً نظر امام همین بوده است.

## اتخاذ مبنا

با قرینه قاطعی نتوانستم رجحانی بین یکی از دو احتمال پیدا کنم. و بیشتر به ذهن می‌آید که این روایت حالت اجمال دارد. معلوم نیست فضای بحث چه بوده است. البته در اینجا می‌شود احتمال سومی را مطرح نمود که امام در مقام بیان یکی از دو قول نبوده‌اند. می‌خواهد به او بگوید نظرتان صدر و ذیلش باهم سازگار نیست. اگر شما قیاس را قبول دارید باید برسید به دو بار. اگر قبول ندارید مبنایتان درست نیست و این نتیجه که می‌گیرید با مقدماتتان سازگار نیست.

## روایت سوم

این روایت هم سندش ضعیف است یا مبتلابه تضعیف است و یا توثیقی ندارد و مانع در قبال علی بن سندی است که توثیقی ندارد.

**« عَنْ عَلِی بْنِ حَدِیدٍ عَنْ جَمِیلِ بْنِ دَرَّاجٍ عَنْ بَعْضِ أَصْحَابِنَا عَنْ أَحَدِهِمَا ع قَالَ: لَا یقْطَعُ السَّارِقُ حَتَّی یقِرَّ بِالسَّرِقَةِ مَرَّتَینِ فَإِنْ رَجَعَ ضَمِنَ السَّرِقَةَ وَ لَمْ یقْطَعْ إِذَا لَمْ یکنْ شُهُودٌ وَ قَالَ لَا یرْجَمُ الزَّانِی حَتَّی یقِرَّ أَرْبَعَ مَرَّاتٍ إِذَا لَمْ یکنْ شُهُودٌ فَإِنْ رَجَعَ تُرِک وَ لَمْ یرْجَمْ.»[[3]](#footnote-3)**

1. **الکافی (ط - الإسلامیة)؛ ج 7، ص: 219** [↑](#footnote-ref-1)
2. **وسائل الشیعة؛ ج 28، ص: 250** [↑](#footnote-ref-2)
3. **تهذیب الأحکام؛ ج 10، ص: 122** [↑](#footnote-ref-3)